



رفیعیان، مجتبی، خدائی، زهرا و داداش‌پور، هاشم. (۱۳۹۳). ظرفیت سازی اجتماعات محلی به مثابه ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی. *فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱(۲)، ۱۶۰-۱۳۳.

ظرفیت سازی اجتماعات محلی به مثابه ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی^۱

مجتبی رفیعیان^۲، زهرا خدائی^۳ و هاشم داداش‌پور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۲۲

چکیده

ظرفیت اجتماعات محله ای رویکردی سیستماتیک بر مبنای مقیاس زمان بندی است که دربرگیرنده ی رهبری، قلمرو اجتماعی، فعالیت های فردی، تغییرات سازمانی و نهادی است تا رفاه افراد، سازمان ها و اجتماعات محلی را پایه ریزی نماید. هر فرایندی از ظرفیت سازی می باید ارزش ها را تشخیص دهد و بر پایه ی مهارت های موجود، دانش و استعداد های مردمی شکل بگیرد. برخی محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعات می تواند به عنوان ابزاری برای حمایت از مسائل مرتبط با ساختارهای پیش روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه ریزی و ابزاری جهت توانمندسازی به کار رود. برخی دیگر مشخصاً فرایند ظرفیت سازی اجتماعات محلی را در تغییرات سیستمی و ساختاری وسیع تری در نظر می گیرند؛ حال آنکه عده ای دیگر معتقدند که این مفهوم و تغییراتش تنها در سطح «اجتماعات محلی» قابل اجراست. در این مقاله سعی شده است با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی ضمن مرور ادبیات نظری مطرح در این زمینه و ریشه های نظری آن با هدف تبیین مفهوم ظرفیت اجتماعات محلی و ارزیابی کیفی آن، تجاربی از مدل های اجرایی را مورد بررسی قرار داده شود و در نهایت با ارزیابی قلمروهای ظرفیت سازی و طبقه بندی آنان در حوزه های مشخص، به تدوین شاخص های مرتبط در اجتماعات محلی با در نظر گرفتن سطح تحلیل بپردازد. نتایج بررسی ها نشان داد که این رویکرد تأثیر قابل توجهی بر توانمندسازی افراد و گروه ها از طریق مشارکت و درگیر کردن ذی نفعان به وسیله ی پذیرش برنامه های مشخص در اجتماعات محلی، ارتقای مهارت و دانش، افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات با استفاده از مباحثه ها در اجتماعات محلی و بسیج منابع به منظور رفع نیازهای مربوط به اجتماعات محلی برجای می گذارد.

واژه های کلیدی: اجتماعات محلی؛ پیوندهای اجتماعی؛ ظرفیت سازی؛ مشارکت ذی نفعان؛ نهادهای اجتماعی

۱- این مقاله برگرفته از رساله ی دکتری مؤلف دوم در رشته ی شهرسازی با عنوان «تبیین ظرفیت های اجتماعات محله ای (اجتماعی - مکانی) از منظر گروه نوجوان در شهر تهران» است که تحت راهنمایی مؤلف اول و سوم در دانشکده ی هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۲- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، rafiein_m@modares.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس، zahrahodaee@gmail.com

۴- استادیار دانشگاه تربیت مدرس، h-dadashpoor@modares.ac.ir

۱- مقدمه

امروزه با آشکار شدن ناکارآمدی راهکاری تجویزی و دولت‌محور و تهدیدکننده‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری از جمله تخریب، اخراج و جابه‌جایی‌های اجباری، توجه مدیران و برنامه‌ریزان، بیش از پیش، به سطوح پایین‌تر زندگی شهری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماع محلی جلب شده است (محمدی و روستا، ۱۳۸۷: ۹۱). در این میان طبق نظر فریدمن^۱ (۱۹۹۳) توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری و ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و تأکید بر اجتماعات محله‌ای به‌منظور توانمندسازی آن‌ها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای مد نظر بوده است.

به‌طور کلی همان‌طور که هیچ شهری نمی‌تواند بدون اتکا به منابع و ظرفیت محیطی اطرافش پایدار بماند، بدون توجه به اجزای درونی خود، یعنی سلول‌های شهری نیز این پایداری صورت نمی‌گیرد. در گذشته‌های دور، محلات شهری مکان تعاملات و زندگی اجتماعی ساکنان آن‌ها بوده‌اند و بستر مناسبی برای زندگی اجتماعی افراد ایجاد می‌نمودند. با وجود این، هم‌زمان با گسترش زندگی مدرن شهری، مردم از مکان زندگی، محله‌ی مسکونی و اجتماعات محلی خود دور شده و تعلق خاطر به محدوده‌ی زندگی و بالتبع مسئولیت‌پذیری محلی ساکنین شهرهای بزرگ که خود ضامن «سرمایه‌ی اجتماعی» محلات است، از میان می‌رود.

با ظهور عصر جدید، ساختار و کارکرد محله‌های شهری به‌طور کلی دگرگون گردید. از جمله به دلیل جابه‌جایی و تحرک جمعیت و استقرار اقشار مهاجر در نواحی و محله‌های حاشیه‌ای و نیز به دلیل فقدان تمهیدات لازم از نوع برنامه‌ریزی پایدار، بر حجم و دامنه‌ی مشکلات محیطی افزوده شده است. این نوع مشکلات تنها متوجه ساکنان این نواحی نبوده است؛ بلکه به دلیل شبکه‌ی ارتباطی محله‌ها در سطح کلان شهرها و داد و ستد اقتصادی و اجتماعی، کل ناحیه را گرفتار می‌کند. بخشی از مشکلات موجود شهری در شرایط کنونی، برخاسته از واقعیت توسعه نیافتگی کالبدی و اجتماعی محله‌های شهری است. به‌عنوان مثال در شرایط کنونی، کلان‌شهری مانند تهران از لحاظ کالبدی دارای نواحی و مناطق متفاوت و گوناگون است و به دلیل افزایش فاصله‌ی اقتصادی-اجتماعی و توزیع نابرابر امکانات و خدمات عمومی، به شهری بی‌قواره و برخوردار از فرهنگی ناهمگن در محیط اجتماعی تبدیل شده است. این ناهماهنگی به تمام بخش‌ها و نواحی شهری، به‌ویژه محله‌های آن تعمیم یافته است. به

^۱. Friedman

روالی که در بسیاری از واحدهای محله‌ای جاذبه‌های اسکان بادوام کاهش یافته و شبکه‌ی فعالیت‌های بین محله‌ای با موانع توسعه‌ی فراوانی روبرو شده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۲).

توجه به نقش ظرفیت‌ها در «توسعه‌ی اجتماعات محله‌ای»، مشارکت بازیگران محلی را در دستور کار قرار می‌دهد، تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده بوده و کمتر به مداخلات کالبدی - فضایی پرداخته و با نگاه فرایندگرا به پایداری تصمیمات در سطوح مختلف خواهد انجامید. بدین‌منظور، هر نوع کالبدشکافی و نیز تجویز سیاست‌های شهری مستلزم بازنگری در رویکردهای سنتی اداره‌ی شهر و به‌کارگیری شیوه‌هایی است که در آن برنامه‌ریزی محله‌محور در کانون طراحی و عملیات قرار گیرد. مروری بر شرایط و لوازم نظام برنامه‌ریزی شهری در سطح محله‌ها، مبین ضرورت‌ها و قابلیت‌هایی است که امکان تحقق و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی محلی را نوید می‌دهد.

۲- مفاهیم پایه

۲-۱- محله و اجتماعات محلی

محله، بافت و برش تفکیک‌ناپذیر از شهر است. واقعیتی اجتماعی و فیزیکی است که در تمام شهرها وجود دارد. از نظر مامفورد (۱۹۵۴) محله با مرزهای معین و نیز جایگاه هسته‌ای‌اش در شهر شناخته می‌شود. محلات شهری علی‌رغم اهمیت تاریخی خود، امروزه در نظام‌دهی به الگوی سکونت شهری نقش کم‌اهمیتی دارند؛ چنان‌که در چند دهه‌ی اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه‌ی زندگی، در ساختار محلات نیز تغییرات بنیادینی ایجاد گردیده است. این در حالی است که محلات شهری دارای درون‌مایه‌های عظیم اجتماعی و فرهنگی‌اند که تنها از طریق بازآفرینی فرهنگ شهروندی و توجه به محلات به عنوان بستر زندگی اجتماعی ساکنان قابل احیای مجددند. داریوش آشوری برای واژه‌ی اجتماعات محلی^۱ معادل باهمستان را پیشنهاد کرده است. در بعضی از موارد هم از معادل‌هایی چون محله و اجتماع محلی نیز به تناسب استفاده می‌شود.

نبیل حمیدی^۲ (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که واژه‌ی اجتماعات محلی دارای دو بعد مکانی و اجتماعی است و به طور کلی مردم در اجتماعات محلی برای دستیابی به اهداف مشترک گرد هم می‌آیند؛ حتی اگر تفاوت‌های خاص داشته باشند. جان لنگ در بررسی خود راجع به

^۱ . Community

^۲ . Nabeel Hamidi

مفاهیم اجتماع محلی و واحد همسایگی در طراحی شهری، اجتماع محلی را برای اشاره به شبکه‌ای از روابط متقابل شخصی یا گروهی به کار می‌برد و واحد همسایگی را به ناحیه‌ی جغرافیایی خاص منسوب می‌کند. ملوین وبر معتقد است اجتماع محلی و منطقه‌ی شهری همواره متعلق به مکانی خاص در شهر تلقی شده‌اند؛ اما در مورد اجتماع محلی اکنون «وجود روابط مشترک» به جای نزدیکی فضایی شرط لازم برای پیوستگی آن به شمار می‌رود. اسرائیل و همکاران (۱۹۹۴) عناصر یک باهمستان را حس تعلق، نظام نمادی مشترک، ارزش‌های مشترک، تأثیرات دوسویه، نیازهای مشترک و التزام به برآوردن این نیازها و یک پیشینه یا (تاریخ) مشترک می‌دانند (مطوف و رحیمی، ۱۳۸۷: ۴۶). به نظر ویلمن اجتماع محله‌ای دارای شبکه‌ی روابط از نوع شخصی است. به نظر او و نیز لیگتون پنج عامل اصلی وجود دارد که مطالعه‌ی محله را سبب می‌گردد: ۱- محله واحد مجزای شهری است که قابل مشاهده است. ۲- روابط اجتماعی در سطح محل سبب می‌گردد محله یک واحد مستقل باشد. ۳- توضیح فضایی این روابط مانع از این می‌گردد که مرزهای جغرافیایی آن از لحاظ نظام اداری نیازمند مطالعه باشد. ۴- محله دنیای اجتماعی کوچک در درون شهر و موزاییک دنیای اجتماعی برابر با اجتماع است. ۵- موقعیت مکان نقش تعیین‌کننده در محله و روابط افراد ندارد (موسوی، ۱۹۹۸: ۵۲).

با مروری بر تحقیقات پیشین همچون وریتی^۱ (۲۰۰۷) در زمینه‌ی اجتماعات محلی، می‌توان آن را با در نظر گرفتن جنبه‌های گوناگون با یکدیگر ترکیب نمود:

- **اجتماعات محلی به مثابه‌ی مکان:** موقعیت کالبدی، محل کار، حومه، محله، فضای جغرافیای سیاسی
 - **اجتماعات محلی به مثابه‌ی سیستم اجتماعی:** شبکه‌ها و ارتباطات، علقه‌ها و تعاملات میان مردم
 - **اجتماعات محلی به مثابه‌ی منافع گروهی:** گروه‌های ناهمگنی از مردم که دارای نیازها، وظایف، مشاغل، منافع و آرمان‌های مشترک دارند (وریتی، ۲۰۰۷: ۱۰).
- گذشته از تفاوت‌های بارز فضایی و اجتماعی، در مجموع بافت محلات شهری در تمام کشورها از یک فرایند مشابه پیروی می‌کند. بدین ترتیب که محله اولاً دارای یک فضای جغرافیایی در مقیاس کوچک در سطح شهر است. ثانیاً عموماً گروه‌های انسانی با خصیصه‌ی اجتماعی یا فرهنگی و ... مشابه در آن ساکنند و ثالثاً روابط اجتماعی میان گروه‌های انسانی

1. Verity

ساکن در هر محله یک رابطه‌ی صمیمی و دارای انسجام و وحدت است و در نهایت شبکه‌ی حیات محله‌ی دارای کارکردها و نتایجی است که هم متوجه ساکنان محله و هم سایر ساکنان در نواحی دیگر است. با توجه به آنچه گفته شد شناسایی شبکه‌ی اجتماعی و ارتباطات میان ساکنان محله، امکان به‌کارگیری نیروهای درونی بالقوه آن را، به‌منظور بهبود ساختار فضایی و کالبدی محله فراهم می‌آورد و به این ترتیب، رشد درونی محله، تحقق می‌یابد.

۲-۲- ظرفیت اجتماعات محلی^۱

در حال حاضر، تعریفی جامع و جهان‌شمول از ظرفیت اجتماعات محلی، فرایندها و شاخص‌های ارزیابی آن وجود ندارد و اغلب اصطلاحات متناقض و نادرستی از آن می‌شود؛ این واژه عموماً در پروژه‌ها به‌کار گرفته می‌شود؛ اما در عمل، اصول اساسی آن مدنظر قرار نمی‌گیرد. با این حال در ادامه سعی می‌شود که به مهم‌ترین تعاریف موجه در این زمینه براساس مستندات معتبر اشاره شود (وریتی، ۲۰۰۷: ۱۳).

گروه منابع انسانی و مهارت در کانادا^۲ واژه‌ی ظرفیت را به‌عنوان مسیر و ابزارهایی در جهت برآورده نمودن آنچه که بایستی انجام شود، در نظر می‌گیرد و آن را گسترده‌تر از صرف مهارت، مردم و برنامه می‌بیند و عموماً آن را با مردمی که مشتاقانه قصد مشارکت دارند؛ مهارت‌ها، دانش و توانایی، رفاه و سلامت اجتماع محلی، توانایی جهت شناسایی و فرصت‌های دسترسی، انگیزه و توانایی جهت بروز خلاقیت، زیرساخت، مؤسسات حمایت‌گر و منابع فیزیکی، راهبری و ساختارهای جهت مشارکت، منابع اقتصادی و مالی و توانمندسازی سیاست‌ها و سیستم‌ها توأمان می‌بیند کوپر و دیگران^۳ (۲۰۰۴: ۲). درباره‌ی برنامه‌های اجتماعات محلی و قابلیت‌های موجود در افراد با استناد به تعاریف موجود در لغت‌نامه‌ی آکسفورد از واژه‌ی «ظرفیت‌سازی» استفاده کرده‌اند.

«ظرفیت» در لغت‌نامه‌ی آکسفورد به معنای ظرفیت گنجایش، دریافت، تجربه یا تولید است.

«ساختن» به معنای ایجاد از طریق کنار هم قرار دادن مواد با یکدیگر که به‌تدریج خود را

شکل می‌دهد.

1. Community Capacity Building (<http://www.ccwa-online.org.uk/v2/downloads/cms/1121303664.pdf>).

2. The Human Resources and Skills Canada Group (HRSDC)

3. Cooper et.al

میتروفنوا^۱ (۲۰۰۴) ظرفیت را مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، مهارت‌ها، درک‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، روابط، رفتارها، انگیزه‌ها، منابع و شرایطی که اشخاص، سازمان‌ها، شبکه‌ها، بخش‌ها و سیستم‌های اجتماعی فراگیرتر را جهت انجام کارکردها و دستیابی به اهداف توسعه‌شان در طول زمان توانا می‌سازد، در نظر گرفته است. عارفی (۱۳۸۰: ۲۲) ظرفیت اجتماعات محلی را بر پایه‌ی مجموع دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی تلقی کرده است و معتقد است سرمایه‌های مربوط به اجتماعات محلی نوعاً سرمایه‌ی اجتماعی و کالبدی را به طور توأمان شامل می‌شود. انزر (۲۰۰۷) ظرفیت محلی را به توانایی جمعی ساکنان برای واکنش نشان دادن به فشارهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی و ایجاد و تقویت فرصت‌ها و دیدن سرمایه‌های محلی در کنار نیازهای محلی اطلاق نموده است.

جدول ۱: ظرفیت سازی بر مبنای اهداف، فرایند و ابزار در دو سطح سازمانی و اجتماعات

محلی

ظرفیت سازی	به عنوان یک ابزار	به عنوان فرایند	به عنوان هدف
در سازمان	سازمان را جهت انجام وظایف همچون ظرفیت سازی در اجتماعات محلی تقویت می‌کند	فرایند انعکاس، راهبری و توجه به انسجام بیشتر میان اهداف/ ارزش‌ها و فعالیت‌ها	تقویت سازمان جهت انجام مقاصد و اهداف
در اجتماعات محلی / جامعه مدنی	تقویت اعضای اجتماع محلی جهت انجام مواردی که از سوی آنان تعریف شده است.	پروروانیدن گفتگو-ارتباطات، برقراری روابط، پذیرش تنوع، برطرف کردن تعارضات	تقویت اعضای اجتماع محلی جهت مشارکت در نایل آمدن به اهداف خاص خودشان

۱- زمینه‌های شکل‌گیری ظرفیت سازی اجتماعات محله‌ای

ظرفیت سازی اجتماعات محله‌ای می‌تواند به مثابه‌ی ایده‌ای در نظر گرفته شود که براساس منابع، زمان، هدایت و تعهداتی است که اهداف و تغییرات آن را نشان می‌دهند و دربرگیرنده‌ی رهبری، قلمرو اجتماعی، فعالیت‌های فردی، تغییرات سازمانی و نهادی است. برخی نویسندگان همچون وریتی (۲۰۰۷: ۵) به وضوح ظرفیت اجتماعات محلی را با ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی و نظریات آن پیوند داده‌اند.

^۱ . Mitrofanova

ظرفیت سازی اجتماعات محله ای رویکردی سیستماتیک و برنامه ریزی شده ای است که با برنامه یا پروژه‌ی ویژه ای مرتبط می‌شود و معمولاً دارای مقیاس زمان‌بندی مربوط به آن نیز هست. هر فرایندی از ظرفیت سازی اجتماعات محلی باید ارزش‌ها را تشخیص دهد و بر پایه‌ی مهارت‌های موجود، دانش و استعداد‌های مردمی باشد که تا کنون داشته و می‌توانند آن را عرضه نمایند. ظرفیت سازی اجتماعات محلی موارد ذیل را دربر می‌گیرد:

- بالا بردن مهارت‌ها، دانش و اعتماد به نفسی که از طریق فرصت‌های آموزش و یادگیری حاصل می‌شود که می‌تواند طیفی از شبکه‌های غیررسمی نامعتبر تا شبکه‌های رسمی معتبر را دربر گیرد.

- شبکه‌سازی و مشارکت در انجمن‌های پشتیبانی مختلف.

- ارتقای ساختارهای سازمانی، سیستم‌ها و سازوکارهایی برای مدیریت پروژه‌ها، کارکنان، ساختمان و غیره.

بر اساس درس‌های آموخته شده در پروژه‌های ظرفیت سازی اجتماعات محلی همچون حمایت اجتماعی^۱ (۲۰۱۰) از سوی مردم در سطوح راهبردی، عملیاتی و فردی، ویژگی‌های زیر برای متناسب کردن خدمات عمومی محلی و تقویت اجتماع محلی به مثابه‌ی یک سازمان باید موارد زیر در ایجاد ظرفیت سازی مدنظر قرار گیرند:

- **ظرفیت سازی براساس قابلیت‌های موجود مردم:** تغییر مدل توزیع خدمات

عمومی از رویکردی ناقص به رویکردی که فرصت‌هایی را برای مردم فراهم می‌کند تا نیازها را تشخیص داده و قابلیت‌های مردم را رشد داده و به طور فعالی از آن‌ها حمایت کند تا بتوان آن را در سطوح اجتماع محلی و فردی به کار گرفت.

- **ظرفیت سازی براساس شبکه‌های مورد حمایت:** تعامل با همسالان و شبکه-

های شخصی در کنار شبکه‌های حرفه‌ای به عنوان بهترین راه برای انتقال دانش و حمایت از تغییر.

- **از بین بردن تمایزات:** از بین بردن تفاوت میان بخش حرفه ای و دریافت‌کنندگان

و میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خدمات با استفاده از شکل‌بندی مجدد شیوه ای که خدمات ایجاد و توزیع می‌گردند.

^۱ . Social care

• **تسهیل نمودن خدمات نسبت به توزیع آن:** قادر ساختن نهادهای خدمات عمومی که بیشتر نقش کاتالیزور و تسهیل گر داشته باشند تا اینکه خودشان فراهم‌کننده‌ی خدمات اصلی باشند.

• **تشخیص مردم به عنوان دارایی:** تغییر ادراک مردم از دریافت‌کنندگان غیرفعال خدمات و فشار بر روی سیستم را که در آن، آن‌ها با هم مساوی بوده و شرکای اصلی در طراحی و توزیع خدمات هستند.

برخی محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعات می‌تواند به عنوان ابزاری جهت حمایت از ارتباط میان مسائل مرتبط با ساختارهای پیش روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری جهت توانمندسازی باشد. نکته‌ی کلیدی دیگر آن است که برخی مشخصاً فرایند ظرفیت سازی اجتماعات محلی را در تغییرات سیستمی و ساختاری وسیع تری در نظر می‌گیرند؛ در حالی که از نظر برخی دیگر این مفهوم در مورد تغییرات سیستمی گسترده‌تر نیست و تغییرات مربوط به آن در سطح سیستم «اجتماعات محلی» قابل اجراست.

ظرفیت اجتماعات محلی عمدتاً در تلاش جهت جبران خسارت، ارتقای سلامت، بهبود زندگی شهری و اجتماعی و تقویت اهداف تغییرات اجتماعی است و مرتبط با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و عملکردها به طرق مختلف با مفاهیمی همچون سرمایه‌ی اجتماعی، توانمندسازی اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی دارایی مبنای مشارکت اجتماعی است (وریتی، ۲۰۰۷: ۱۰). در واقع به‌کار گرفتن ظرفیت‌های موجود در اجتماعات به عقیده‌ی محققانی همچون چپ من و کرک^۱ (۲۰۰۱)، مزایای ذیل را به دنبال دارد:

- توانمندسازی افراد و گروه‌ها در اجتماعات محلی مشخص
- توسعه‌ی مهارت‌ها، دانش و اطمینان
- افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات
- توزیع خدمات تأثیرگذار و سیاست‌های مبتنی بر نیازهای اجتماعات محلی و راه‌حل‌های آن

- مباحثات و گفت‌وگوهای گروه‌ها در اجتماعات محلی
- مشارکت و درگیر شدن ذی‌نفعان در اجتماعات محلی
- تصمیم‌سازان تأثیرگذار و پاسخگو
- بسیج منابع جهت نیازهای مربوط به اجتماعات محلی

^۱ . Chapman and Kirk

○ پذیرش برنامه‌هایی که منجر به توسعه‌ی اجتماعات محلی می‌شود (چپ من و کرک، ۲۰۰۱: ۴).

۲- مدل‌ها و فعالیت‌های ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی

در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، تجارب فراوانی از مدل‌ها و راهبردهای اجرایی به چشم می‌خورد که در مسائلی همچون مشارکت اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی، نیازسنجی، شکل‌گیری و توسعه‌ی اجتماعات محلی، ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی به‌کار گرفته می‌شود. همان‌طور که توماس (۲۰۰۰: ۷) و چپ من و کرک (۲۰۰۱: ۱۲) اظهار داشته‌اند: ظرفیت‌سازی در نایل آمدن به تغییرات پایداری که تأثیرات ماندگاری دارند، بسیار کلیدی است؛ هرچند این معنا در عمل کمتر اتفاق بیفتد.

امروزه مدل‌ها و چارچوب‌هایی برای ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی وجود دارد. این عوامل به طرق مختلفی (از نظر اجزاء، کیفیت، رویکردها، ابعاد و حوزه‌ی بررسی، مهارت‌ها، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و نتایج) مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مدل‌ها و فعالیت‌های ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی پرداخته می‌شود:

۴-۱- ظرفیت‌سازی به مثابه‌ی چتر

ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی عموماً به عنوان جزئی از پروژه‌ی «ظرفیت‌سازی» در نظر گرفته می‌شود که سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ برچسب «نظریه‌ی چتر» را مطرح کرد. در زیر این چتر، ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی با سایر اشکال ظرفیت‌سازی همچون ظرفیت‌سازی سازمانی، فنی و زیرساختی وابستگی و ارتباط متقابل دارد. در چارچوب ظرفیت‌سازی، سه سطح در اقدامات و فعالیت‌ها وجود دارد که عبارتند از:

- سطح فردی
- سطح بخشی (سازمان، نهاد، برنامه، قلمرو یا مکان)
- سطح کلی (توانمندسازی محیط)

مدل‌های دیگری همچون مدل فاستر-فیشمن (۲۰۰۱) بر یک جنبه‌ی خاص از ظرفیت‌سازی در مشارکت جمعی تأکید می‌کنند و با ارائه‌ی طرحی فرایند وقوع مشارکت تأثیرگذار را در سطوح ظرفیت‌اعضا، ظرفیت‌سازمانی، ظرفیت‌ارتباطی و ظرفیت‌برنامه‌ای نشان می‌دهند. بنابراین فعالیت در جهت ایجاد ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی دربرگیرنده‌ی توجه به ارتقای ظرفیت در هر سطح است.

۴-۲- ظرفیت سازی اجتماعات محلی در ارتقای سلامت

چارچوب دیگری در ظرفیت سازی اجتماعات محلی وجود دارد که به طور ویژه‌ای ظرفیت سازی اجتماعات محلی را در سلامت توصیف می‌کند. کریسپ و دیگران^۱ (۲۰۰۰) در توصیف ظرفیت سازی اجتماعات محلی در سلامت رویکرد سیستمی را در نظر گرفته و چهار رویکرد جهت فعالیت و تغییر بیان می‌کنند که در جدول شماره‌ی ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: رویکردهای ظرفیت سازی اجتماعات محلی

رویکرد	رویکرد بالا به پایین سازمانی	رویکرد پایین به بالای سازمانی	رویکرد مشارکتی	رویکرد سازماندهی اجتماعات محلی
مثال	تغییر سیاست ها و شیوه های سازمان	ارتقای مهارت کارمندان	ایجاد ارتباط میان سازمان ها	شکل‌گیری گروه های اجتماع محلی

منبع: وریتی، ۲۰۰۷: ۱۹

شباهتی میان مدل کریسپ و سایر محققان دیده می‌شود که حوزه‌های فعالیت برای ظرفیت سازی اجتماعات محلی را در فعالیت‌های متداوم و پیوسته دنبال می‌کنند که عبارتند از:

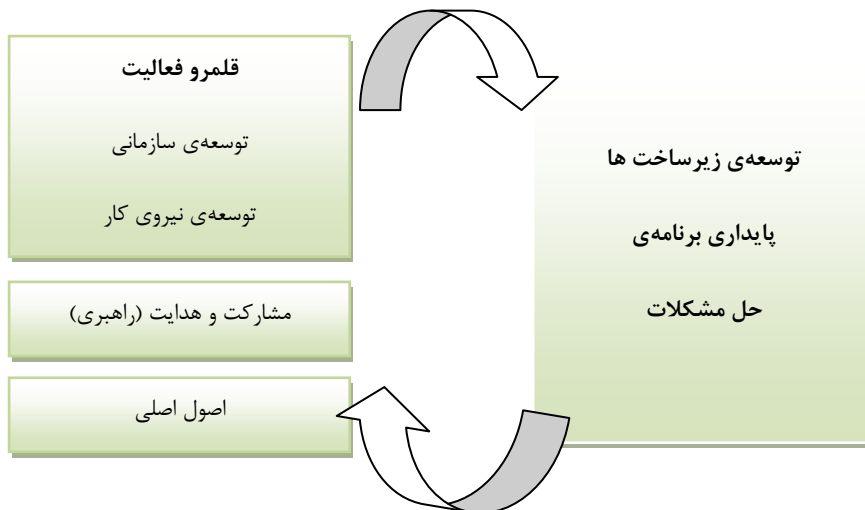
- فعالیت فردی
- گسترش گروه‌های دوطرفه‌ی کوچک
- گسترش سازمان‌های اجتماعات محلی
- مشارکت
- فعالیت اجتماعی.

مؤسسه‌ی سلامت گلیدزویل^۲ (۲۰۰۱: ۲) طرح شناخته‌شده‌ای برای ظرفیت سازی در سلامت ایجاد نمود که سه حوزه‌ی فعالیت توسعه را به تصویر می‌کشد: سازمانی، نیروی کار و توسعه‌ی تخصیص منابع. مشارکت و هدایت (راهبری) در تمام این عرصه‌ها ضروری بوده و تمام این‌ها در بستر وسیع‌تری جای می‌گیرند. نکته‌ی بااهمیت توجه به این موضوع است که

^۱. Crisp et.al

^۲. NSW Health in Gladesville

با توجه به آنکه رئوس کلی ترسیم می‌شود؛ در هر حوزه، ظرفیت با توجه به توسعه‌ی زیرساخت‌ها، پایداری برنامه و حل مشکلات ساخته می‌شود. این چارچوب بر این ایده استوار شده است که ظرفیت در میان برنامه‌ها و سیستم‌ها به وجود می‌آید که به نوبه‌ی خود توسعه‌ی ظرفیت را در اجتماعات محلی، سازمان‌ها و افراد جهت ارتقای سلامت عرضه می‌نماید (۲۰۰۱: ۳). این سیستم همچنین به وسیله‌ی تحلیل سیستمی از سیستم‌های بهم‌متصل شده شناسانده شده است و مجموعه‌ای از اصول پایه‌ای که بر فعالیت ظرفیت‌سازی اثر می‌گذارند را ترسیم می‌کند. شکل شماره ۱ این مدل را به تصویر می‌کشد.



شکل ۱: مدل سلامت گلیدزویل

منبع: مؤسسه‌ی سلامت گلیدزویل، ۲۰۰۱: ۷

چپ من و کرک (۲۰۰۱) در بررسی تحقیقات مرتبط، اهمیت شناخت زمینه و تاریخ، برنامه ریزی، یکپارچگی، بودجه کافی و هماهنگی میان بخش‌ها، نهادها و مدیران در اجتماعات محلی را ترسیم کردند. به علاوه آن‌ها یک تسهیل‌گر را جهت فرایند حمایت از ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی پیشنهاد داده و نقش فعالان منعطف، با مهارت و دقیق را در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی در نظر گرفتند و چندین حوزه‌ی گسترده راهبردی برای ظرفیت‌سازی تعیین کردند که عبارتند از: به‌کارگیری «خود» در مشارکت و ایجاد ارتباطات، ارتقاء آگاهی و آموزش، پاسخ به نیازها، تقویت شبکه‌های محلی، مهارت‌ها و اعتماد اعضای اجتماعات محلی.

۳- قلمروهای ظرفیت سازی اجتماعات محلی

رویکرد دیگری که ظرفیت سازی اجتماعات محلی را توصیف می کند، طبقه‌بندی مشخصات آنان به‌وسیله‌ی قلمروها (حوزه های مشخص) است. این رویکرد ۴ قلمرو دارد و در هر قلمرو، سطوحی از ظرفیت وجود دارند. در ادامه به ظرفیت سازی اجتماعات محلی در شاخص توسعه‌ی سلامت با توجه به جدول شماره‌ی ۳ اشاره می شود. در این چارچوب انتقال دانش به عنوان جزئی از ظرفیت سازی نشان داده شده است.

جدول ۳: چارچوب ظرفیت سازی جهت ارتقاء سلامت

قلمرو ۱	قلمرو ۲	قلمرو ۳	قلمرو ۴
مشارکت شبکه	انتقال دانش	حل مشکلات	زیرساخت
سطوح ظرفیت	سطوح ظرفیت	سطوح ظرفیت	سطوح ظرفیت
۱- ظرفیت جهت شناسایی سازمان ها و گروه ها جهت اجرا و تداوم برنامه وجود دارد.	۱- ظرفیتی جهت توسعه‌ی برنامه به‌منظور رویارویی با نیازهای محلی وجود دارد.	۱- ظرفیت در شبکه جهت همکاری با یکدیگر به منظور حل مشکلات وجود دارد.	۱- سرمایه‌گذاری راهبردی
۲- ظرفیت جهت توزیع برنامه از طریق شبکه ای از سازمان ها و گروه‌ها وجود دارد.	۲- ظرفیت جهت انتقال دانش به منظور اجرا و حفظ برنامه در شبکه وجود دارد.	۲- ظرفیت جهت شناسایی و غلبه بر مشکلات/ موانع اجرا و حفظ سازمان وجود دارد.	۲- سرمایه‌گذاری مالی
۳- شبکه پایداری جهت حفظ و نگهداری برنامه از طریق شبکه مشارکتی ایجاد شده است.	۳- ظرفیت به منظور تلفیق برنامه جهت حفظ فعالیت شرکای شبکه وجود دارد.	۳- ظرفیت جهت فائق آمدن بر مشکلات قابل انعطاف با گذشت زمان در سراسر شبکه وجود دارد.	۳- سرمایه‌گذاری انسانی
			۴- سرمایه‌گذاری اجتماعی

منبع: مؤسسه سلامت گلیدزویل، ۲۰۰۱: ۲۷

لبونات و لوارک^۱ (۲۰۰۱) با توجه به رویکرد قلمرویی به توصیف ظرفیت اجتماعات محلی نموده‌اند. این طرح، عملکرد فعالیتی لوارک را نشان داده و ۹ حوزه که روابط متقابلی با یکدیگر دارند را بررسی کرده است (جدول ۴) که هر کدام هنوز به تنهایی در ترکیب و تشکیل قطعات پیدایش ظرفیت در اجتماعات محلی بسیار کلیدی هستند؛ هرچند آنان موضوع مربوط به «قدرت» را بسیاری ضروری در نظر می‌گیرند.

جدول ۴: ۹ حوزه جهت ظرفیت سازی اجتماعات محلی

مشارکت
مدیریت و مشارکت
ساختارهای سازمانی
ارزیابی مشکلات
تخصیص منابع
پرسیدن چرا (واکنش انتقادی)
ارتباط با دیگران
نقش عوامل بیرونی
مدیریت برنامه

منبع: لبونات و لوارک، ۲۰۰۱

براساس تعاریف صورت گرفته از ظرفیت سازی اجتماعات محلی، در نظر گرفتن ابعاد، قلمرو و مکان انجام فعالیت در حوزه‌های زیر ضروری به نظر می‌رسد:

• **قلمرو اجتماعات محلی (قدرت، تاریخ، پیش زمینه، تعارضات، رهبری، مشارکت)**

نقشه دارایی
آموزش
نمایی از اجتماعات محلی
ارزیابی نیازها
ایجاد سازمان اجتماع محلی

راهبردها

• **قلمرو سازمانی (منابع، سیاست‌ها، اثرات، گفتمان، پاسخگویی)**

¹. Labonte and Laverack

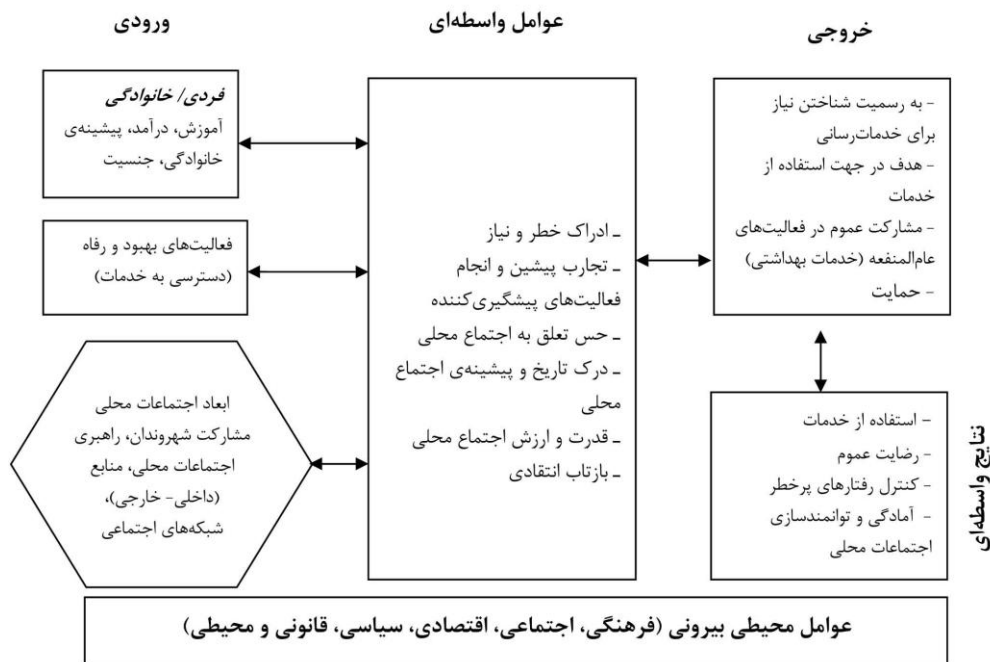
- | | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------|
| <p>حمایت از سیاست‌های ظرفیت سازی جامعه
برنامه ریزی اجتماعی مشارکتی، جامع و همه‌جانبه
تخصیص منابع
سرمایه‌گذاری (مالی، منابع انسانی و خدمات)
توسعه‌ی سازمانی</p> | <p>راهبردها</p> |
| <p>• قلمرو ارتباط (شبکه‌های رسمی و غیررسمی سیستم‌ها، تعاملات، تشریک مساعی، پاسخگویی به نیازهای جامعه)</p> | |
| <p>حمایت
راهبرد های مشارکتی
برنامه ریزی اشتراکی
جریان‌های ارتباطات
سیاست حلقه‌های بازخورد</p> | <p>راهبردها</p> |
| <p>• قلمرو دانش (بازتاب منطقی، آگاهی از قدرت، فرایند تغییر، دانش مربوط به نیازهای اجتماعات محلی)</p> | |
| <p>توسعه‌ی راهبردی
مهارت های تفکر انتقادی
پلی میان دانش کاربردی و حرفه‌ای
ارتقای آگاهی</p> | <p>راهبردها</p> |
| <p>• قلمرو مهارت و توانایی (هدایت، اعتماد به نفس، توانایی جهت حل مشکلات)</p> | |
| <p>توسعه‌ی راهبری
برطرف کردن تعارض
حل مشکلات
نظارت
مهارت در فعالیت اجتماع محلی و حکمروایی</p> | <p>راهبردها</p> |
| <p>• قلمرو انتقال منابع (بسیج منابع)</p> | |
| <p>توسعه‌ی راهبری
برطرف کردن تعارض
حل مشکلات
نظارت
مهارت در فعالیت اجتماع محلی و حکمروایی</p> | <p>راهبردها</p> |
- ۴- شاخص‌سازی ظرفیت اجتماعات محلی

مروری بر ادبیات نظری صورت گرفته در ظرفیت اجتماعات محلی نشان می‌دهد که چالش‌هایی در زمینه اندازه‌گیری آن وجود دارد. در وهله‌ی اول، یک توافق جمعی در این باره که ظرفیت اجتماعات محلی چیست یا با چه ویژگی‌هایی توصیف می‌شود، وجود ندارد. ثانیاً تحقیقات اندکی در خصوص شاخص‌های معتبر و قابل اطمینان در این زمینه وجود دارد و برخلاف سطح فردی، ظرفیت اجتماعات محلی در شکل وسیع‌تر آن بسیار پیچیده‌تر از اندازه‌گیری در سطح فردی است. نکته قابل توجه آن است که علیرغم پیدایش ابزارهای اندازه‌گیری، کاربرد بسیاری از این ابزارها در زمینه علم روان‌شناسی و پزشکی است. قبل از وارد شدن به بحث شاخص‌ها، با توجه به مفهوم بسیار کلی ظرفیت، می‌بایست آن را به بخش‌های کوچکتری (نمودار شماره‌ی ۱) تجزیه کرد که شامل ورودی (منابع)، فرایند (کارکرد) مورد نیاز برای ایجاد خروجی مرتبط با ظرفیت، خروجی و نتایج می‌باشد. این نمودار دربرگیرنده‌ی اجزای ظرفیت جهت اجرا در هر یک از سطوح فوق می‌باشد. نکته قابل توجه آن است که این اجزای توصیفی نقشه بالقوه ظرفیت را به تصویر می‌کشند که بیانگر وضعیت فعلی ظرفیت (در یک سیستم یا سازمان) یا اولویت دادن به هر عامل واسطه‌ای خاص در ظرفیت‌سازی می‌باشد. این چارچوب می‌تواند نقطه شروع برای تعیین شکاف‌های ظرفیت در فاز طراحی پروژه و برای انتخاب بهترین عوامل واسطه‌ای ظرفیت‌سازی برای پر کردن این شکاف‌ها باشد و نهایتاً می‌تواند برنامه ریزان را در توسعه‌ی راهبرد برای نظارت و ارزیابی اثرات عوامل واسطه‌ای ظرفیت‌سازی (از طریق تعریف شاخص‌ها، انتخاب ابزارهای جمع‌آوری داده و چارچوب زمانی مناسب برای ارزیابی برنامه) هدایت نماید. در نهایت درک پویایی ظرفیت‌سازی در هر سطح و میان سطوح، به بسط راهبرد‌ها و تکنیک‌های اندازه‌گیری می‌انجامد.

با مروری بر ادبیات نظری صورت گرفته، اکثر محققان از نظریه‌پردازی لوارک (۱۹۹۹) که در مباحث پیشین بدان اشاره شد، جهت تعیین شاخص‌های مورد نظر بهره‌گرفتند و در مجموع سه دسته‌ی شاخص برای اندازه‌گیری ظرفیت‌سازی تعیین کردند که عبارتند از: (۱) شاخص‌های مربوط به سلامت جمعیت؛ اینها شاخص‌هایی هستند که جهت تعیین مهم‌ترین ویژگی‌های سلامت در محیط کالبدی، اقتصادی و اجتماعی به‌کار گرفته میشوند. (۲) شاخص‌های مربوط به یک برنامه‌ی خاص که در واقع بازتاب‌دهنده‌ی اهداف و اولویت‌های یک برنامه هستند. (۳) شاخص‌های مربوط به ظرفیت اجتماعات محلی (توسعه/ توانمندسازی) که با اصطلاح «طرح نقشه‌برداری وب عنکبوتی»^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که هر

^۱. Spider-web mapping scheme

حوزه‌ی ظرفیت اجتماعات محلی بر اساس رتبه‌بندی جمعی هر حوزه است که در بسیاری از مدل های ظرفیت سازی مورد پذیرش قرار گرفته است.



نمودار ۱: ظرفیت اجتماعات محلی (فردی/ اجتماعی)

منبع: براون، ۲۰۰۱: ۱۶

ماکسیم و دیگران (۲۰۰۱) سعی کردند تا فهرستی از ظرفیت اجتماعات محلی را جهت پیاده کردن برنامه های دولتی در محله هایشان پیشنهاد دهند. این فهرست از دو جزء اصلی تشکیل شده است که بر اساس یافته های معتبر و موثق تجربی محققان به دست آمده است که عبارتند از: (۱) سرمایه‌ی انسانی (منابع انسانی) (۲) سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد متقابل و حس همکاری مشترک). اجزای سرمایه‌ی انسانی با استفاده از اندازه‌گیری ترکیبی از ۴ زیرفهرست اصلی تشکیل شده است که شامل اندازه‌ی جمعیت، نسبت وابستگی سنی، تنوع شغلی و آموزش است و متوسط درآمد افراد به عنوان شاخصی جایگزین از کارآمدی در نظر گرفته شده است. در تحقیقی دیگر، آرمسترانگ و دیگران (۲۰۰۲) بین شاخص های اجتماعی و شاخص های عملکردی تمایز قائل می شوند. شاخص های اجتماعی خروجی های اجتماعی را

اندازه‌گیری می‌کنند مانند کاهش جرم و جنایت در حالی که شاخص‌های عملکردی، فعالیت برنامه یا نتایج را همچون تعداد مشتریان اندازه می‌گیرند.

جکسون و دیگران (۱۹۹۹) نتایج یافته‌های کیفی و تحقیقات عملیاتی که در برگیرنده‌ی ساکنان و کارکنان اجتماع محلی است در سه ناحیه از تورنتو به‌منظور توسعه‌ی مدل و تبیین شاخص‌های اجتماعات محلی مورد بررسی قرار دادند و شاخص‌های مورد نظر آنان براساس عواملی بود که بر توانایی ساکنان در جهت نایل آمدن به اهداف و خواسته‌هایشان تأثیر می‌گذاشت: در مجموع شاخص‌های کلی ظرفیت اجتماعات محلی در برگیرنده‌ی تسهیلات و موانع درونی (در اجتماعات محلی)؛ و تسهیلات و موانع بیرونی بود. شاخص‌های پیشنهادی از سوی ساکنان مبتنی بر ادراک و مشاهدات آنان در این باره است که آیا ظرفیت اجتماعات محلی به‌طور خاص شکل می‌گیرد. با این حال، محققان بر این باورند که شاخص‌های ویژه مستلزم بسط و توسعه از سوی هر اجتماع محلی است.

تامپسون و دیگران (۲۰۰۰) یک روش‌شناسی را جهت دستیابی به ظرفیت اجتماعات محلی در پروژه‌های سلامت براساس ۷ حوزه اجرا کردند که عبارتند از: (۱) چشم‌انداز (۲) تجربه‌ی اجتماع محلی (۳) منابع (۴) دانش و مهارت (۵) مشارکت (۶) راهبری و (۷) یادگیری انتقادی. این ارزیابی در برگیرنده‌ی بررسی حوزه‌ها و رتبه‌بندی ایجاد ظرفیت اجتماعات محلی در هر حوزه است. این رتبه‌بندی یک تجربه‌ی بصری است که از طریق تکنیک نقشه برداری وب استفاده شده است. با این حال توافق اندکی بر سر نوع یا سطوح شاخص‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری ظرفیت اجتماعات محلی وجود دارد؛ کما اینکه ظاهراً توافقی وجود دارد که فرایند انتخاب شاخص‌ها باید در برگیرنده‌ی ذی‌نفعان کلیدی (اعضای اجتماع محلی و گروه‌های محلی) باشد تا بتوان آن‌ها را مورد استفاده قرار داد.

براساس یافته‌های کوان و دیگران^۱ (۲۰۰۳)، تنوع گسترده از شاخص‌هایی که قابلیت به‌کارگیری جهت اندازه‌گیری ظرفیت اجتماعات محلی را دارند، مطابق جدول شماره‌ی ۵ نشان داده شده است. بعضی شاخص‌ها از سایر حوزه‌های مرتبط همچون سرمایه‌ی اجتماعی، حس اجتماع محلی یا سازمانی یا فعالیت جمعی اقتباس شده‌اند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، ظرفیت اجتماعات محلی در سه حوزه‌ی فردی، سازمانی و اجتماعات محلی در نظر گرفته شده است که در این میان، تأکید اصلی بیشتر بر حوزه‌ی اجتماعات محلی می‌باشد که شاخص‌های مربوط به آن در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

^۱ . Kwan et al

جدول ۵: نوع شاخص های به کار گرفته شده در اندازه گیری ظرفیت اجتماعات محلی

نوع شاخص‌ها	ویژگی‌ها	سطح تحلیل اجتماعات محلی
نوع برنامه ریزی (عقلانی، راهبردی) و خروجی‌های مورد نظر	برنامه‌ها و خدمات مؤثر و پایدار	زمینه و بستر
عوامل درون‌نهادی (نحوه‌ی ارتباط و هدایت برنامه با سازمان)		
عوامل برون‌نهادی (نحوه‌ی ارتباط برنامه با نظرات و عقاید موجود در اجتماعات محلی)		
تعداد بنگاه های پایه‌ریزی شده	وضعیت اقتصادی	
تعداد مشاغل موجود		
هزینه‌ی اقلام (مانند بنزین)		
نرخ مالیات مشترک		
ارقام فروش		
رتبه‌ی اجتماع محلی	ویژگی های مسکن مانند نوع مسکن، هزینه‌ی مسکن	
تنوع موجود در اجتماعات محلی مانند تفاوت زبان‌ها، فرهنگ غذایی و موسیقی مختلف		
سطح جرم		
حس اجتماع محلی	حس اجتماع محلی	زمینه‌های کلی جمعی
شهروندان فعال در اجتماع محلی		
سازمان های کارآمد		
شبکه های میان سازمان ها در اجتماع		
دسترسی به منابع خارج از اجتماعات محلی		
تقویت اتحاد و پیوند	فرایندها و ساختارهای پایه‌ریزی شده	همکاری و تشریک مساعی
حس اعتماد در دستیابی به اهداف		
حس کنترل و نظارت مانند عملکرد شاخص‌ها		
درک موضوع		
پاسخ سیاست مناسب که بایستی به موقع اجرا شود		

منابع	منابع در دسترس	نیروی کار، آموزش و مهارت: - موفقیت‌های آموزشی مانند آزمون‌ها و فارغ التحصیلی - سرمایه‌گذاری در آموزش مانند هزینه‌ی هر فراگیر، حقوق تعلیم - و سرمایه‌گذاری در نیروی کار مانند نرخ بیکاری
	پیدایش و توانایی به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی	به‌کارگیری مقیاسی جهت ایجاد شبکه‌های اجتماعی ارتباط مناسب بخش‌های مختلف با یکدیگر
	توانایی انتقاد و کار با یکدیگر در جهت کارآمدی	به‌کارگیری مقیاسی جهت ایجاد بازتاب‌های انتقادی از یکدیگر
	پیدایش و توزیع زیرساخت‌ها	زیرساخت جهت سفر و محموله مانند ترافیک هوایی تسهیلات رفاهی مانند پارک‌ها، فروشگاه‌های خرده‌فروشی، حمل و نقل عمومی، سرگرمی زیرساخت‌ها مانند ساختمان تسهیلات عمومی مانند تخلیه‌ی فاضلاب رضایت ساکنان از زیرساخت‌ها
	فعالیت	برنامه ریزی جمعی و تشریک مساعی
ارزیابی (ظرفیت) اجتماعات		به‌کارگیری مقیاس نقطه‌ای جهت اندازه‌گیری ظرفیت اجتماعات محلی
تغییرات مؤثر در عادات و عملکردهای فردی		حامیان مالی که فرصت‌هایی را برای ارتقای ظرفیت فردی جهت بهبود سلامتی فراهم می‌نمایند. تأثیر حمایت بر آگاهی و سلامت تغییر رفتار
خروجی و نتایج	افزایش شبکه‌های درون‌سازمانی و اجتماعی	خود پاسخی به جمله‌ی «من می‌دانم جهت کمک با چه کسی ارتباط برقرار نمایم». تغییر مسائل محلی در: گروه‌های اجتماع محلی، شورا، نهادهای غیردولتی و میان مردم در محله
	افزایش قدرت اجتماع محلی	تعداد مردمی که در فعالیت‌های اجتماع محلی شرکت می‌کنند مانند برنامه‌های تهیه شده از سوی اجتماعات محلی
	افزایش تمرکز اجتماع محلی جهت تمرکز و کار جمعی به‌منظور حل مشکلات در جهت اهداف	مشارکت مردم و سازمان‌ها در اجرای راهبرد برنامه‌ی اجتماع محلی
		حمایت از برنامه‌ی راهبردی اجتماع محلی از سوی ساکنان (سطح رضایت)، از سوی سازمان‌ها (برنامه‌های تأییدشده)

<p>کیفیت برنامه‌ی راهبردی اجتماع محلی مانند طیف وسیعی از منافع اجتماع محلی که در برنامه گنجانده شده است که به طور مشخصی مسئولیت، دسترسی به برنامه (خوانایی)، محدوده‌ی زمانی، بازرسی های فنی</p> <p>انتشار برنامه‌ی راهبردی اجتماع محلی مانند پوشش رسانه ای، توزیع نسخ چاپی</p> <p>نقاط عطف جهت رسیدن به طرح راهبردی اجتماع محلی مانند تکمیل پروژه</p> <p>نتایج ارزیابی به‌منظور بهبود پروژه در برنامه‌ی راهبردی اجتماعات محلی به کار گرفته شود.</p>	مشترک	
<p>ابتکارات توسعه‌ی اقتصادی موفق مانند ارزش پول</p> <p>مشاغل محلی</p> <p>تعداد مؤسسات خیریه محلی</p> <p>ارزش منابع در درون و بیرون اجتماع محلی</p> <p>ایجاد دفاتر راهنمای منابع</p>	افزایش منابع (تجهیز امکانات)	
<p>شاخص های محیطی مانند گونه‌های در خطر، کیفی هوا و کیفیت آبهای زیرزمینی</p> <p>دسترسی به خدمات و امکانات عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر یک پزشک</p> <p>مصرف دارو</p> <p>فعالیت های مجرمانه مانند نرخ جنایت</p> <p>ارائه‌ی حمایت های اجتماعی مانند تخفیف یا مجانی کردن قیمت غذا برای دانش آموزان</p> <p>شاخص های مرگ و میرا/ شیوع امراض</p> <p>فعالیت انتخاباتی مانند مشارکت در رای گیری</p> <p>درآمد فردی/ خانوادگی</p> <p>شاخص های مسکن مانند هزینه، حق تصرف</p> <p>هزینه شاخص زندگی</p>	بهبود سلامت، وضعیت اجتماعی، رفاه و کیفیت زندگی	

منبع: کوان و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۶

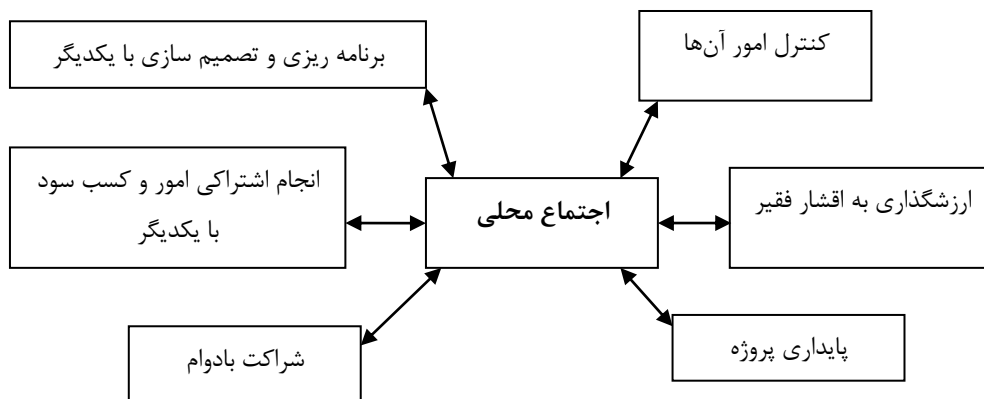
۵- مشارکت محلی ابزار عملیاتی در ظرفیت اجتماعات محلی

از آنجا که فرایند توسعه‌ی اجتماعات محلی براساس دارایی‌ها و ظرفیت‌های موجود است، داشتن نگاه از پایین به بالا گریزناپذیر به نظر می‌رسد. این طرز نگرش بر تقدم سرمایه - گذاری، خلاقیت و مشارکت محلی ساکنان تأکید دارد. مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آن‌هاست و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته و همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه‌ی پایدار سخن برانند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). از این جهت مشارکت شامل دخالت مردم در تمامی فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرای طرح و همچنین شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه و دخالت آنان در ارزشیابی این طرح‌هاست. باید اذعان داشت که مشارکت دارای سازوکارها، ضرورت‌ها و پیش‌زمینه‌هاست که در صورت محقق نشدن آن، امکان مشارکت واقعی و هدفمند در جهت بهبود امور پدید نمی‌آید (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۷). اوکلی و مارسون (۱۳۷۰) مشارکت را در مفهوم گسترده به معنای گسترش حساسیت مردم و در واقع به معنای افزایش درک و توان مردم در جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی تعریف کرده‌اند و برای آن هشت عنصر اساسی مداخله، تشریح اهداف، بسیج و مباحثه، تبلیغ و اشاعه اطلاعات طرح، به‌کارگیری و جلب پشتیبانی مردم، همکاری در سطوح مختلف اجرایی در حد ظرفیت و موقعیت و همچنین ارزیابی مرحله به مرحله و نهایی طرح با همکاری مردم را به عنوان اصول محوری مشارکت مردمی در طرح - های توسعه برشمرده‌اند.

براساس آخرین نظریه‌ها در مورد مشارکت، دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند. بنابراین نظریه پردازان، نظریه «شراکت»^۱ را مطرح کردند که براساس آن، دولت و مردم باید مانند دو شریک دارای منافع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کارهای مربوط به توسعه و اداره‌ی ملی و محلی کشور، همگام و هماهنگ با هم فعالیت کنند. سازوکار اساسی برای ظرفیت‌سازی، توسعه‌ی شراکت (مشارکت واقعی) است. به عبارتی طراحی فعالیت‌هایی که اجازه برنامه‌ریزی و حل مشکلات را به صورت همکارانه و مشارکتی می‌دهند، یکی از مراحل کلیدی ظرفیت‌سازی است. شراکت فقط در تنظیم اولویت‌ها و نقطه نظرات برای محله دخیل نخواهد بود بلکه می‌تواند در تشویق ساکنان برای کمک در اجرا و

1. Partnership theory

بازبینی اولویت‌ها و اقدامات مؤثر باشد. در شروع این فرایند به حمایت نیاز است تا در نهایت جامعه محلی را به سمت استقلال رو به رشد حرکت داده و پایداری را به طور مؤثری افزایش دهد (مطوف و رحیمی، ۱۳۸۷). با این نگرش، مردم به جای آنکه در توسعه نقش انفعالی داشته باشند، متأثر از تغییراتی می‌شوند که خود در آفرینش و مدیریت آنها نقش فعالی داشته‌اند (عارفی، ۲۰۰۸: ۳). جی. نایرانا ردی^۱ (۲۰۰۲) در کتاب خویش تحت عنوان «توانمندسازی جوامع محلی از طریق روش‌های مشارکتی»^۲ توضیح می‌دهد که در مدل بالا به پایین مشارکت، دولت تصمیم می‌گیرد و نیازها را فراهم می‌کند، بنابراین حس وابستگی و بی‌علاقگی در میان مردم گسترش می‌یابد. اما در مدل پایین به بالای شراکت، دولت‌ها و جوامع محلی با هم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی همکاری می‌کنند و این نگرش نتایج بلندمدتی در پی دارد.



نمودار ۲: مدل شراکت

منبع: مطوف و رحیمی، ۱۳۸۷: ۴۸

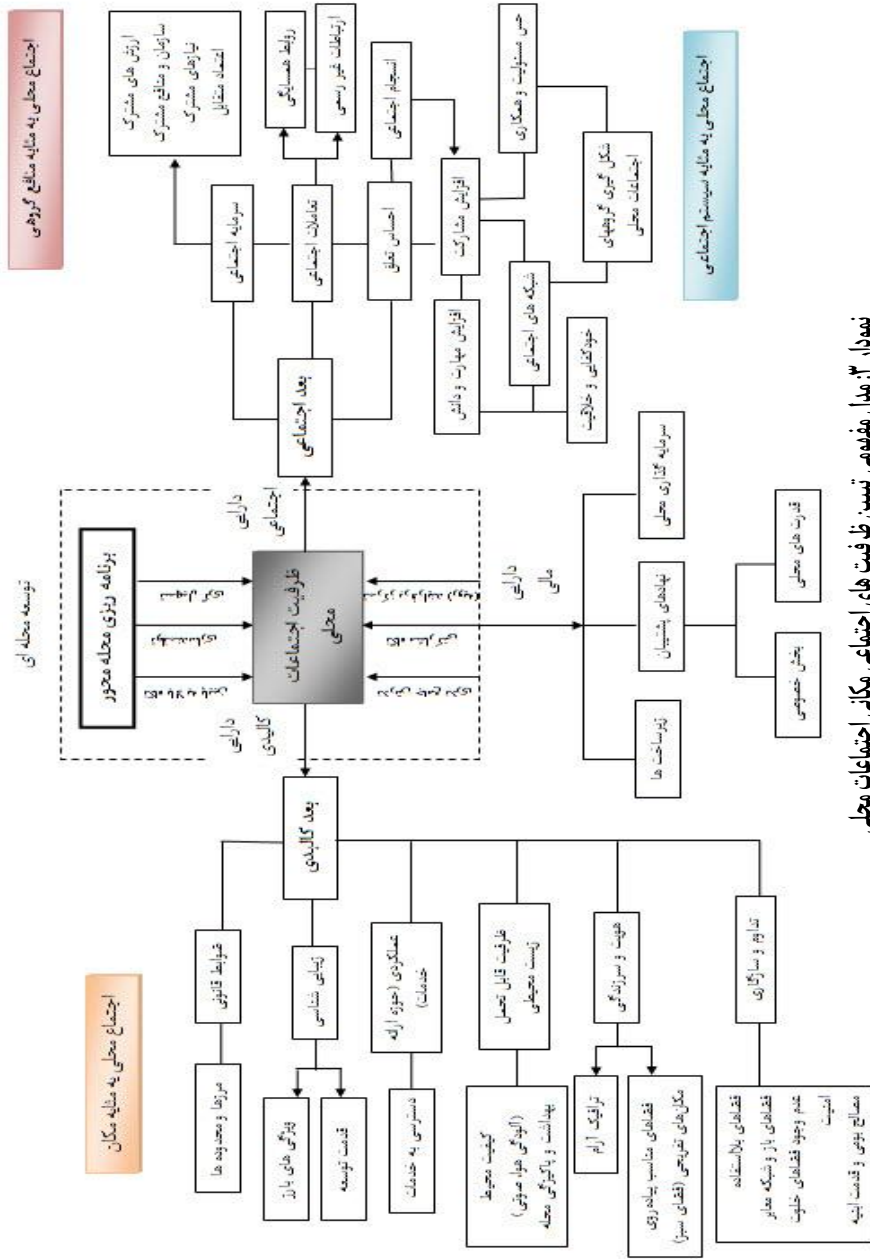
حاجی‌پور ظرفیت‌سازی و توجه به مهارت‌های فردی افراد، تأکید و توسعه بر حاکمیت و نظارت شهروندی، تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، آموزش اجتماعات محلی را از عوامل مؤثر بر توسعه‌ی نهادهای اجتماعی می‌داند (۱۳۸۵: ۴۳-۴۲). در این میان، به‌کارگیری سرمایه‌ی اجتماعی از طریق رویکرد برنامه‌ریزی محله-مبنا با تأکید بر مشارکت مردمی در مدیریت

^۱ G. Narayana Reddey

^۲ Government through participatory methods

شهری نیازمند یک ساختار نهادی مردم‌سالار، مشارکتی و از پایین به بالاست و در ساختار آمرانه و دموکراتیک تحقق کامل آن عملی نخواهد بود. به عنوان مثال در مورد کشور ایران نهادهای مشارکتی (شوراهای شهری و محله‌ای) ماهیتی مردم‌سالارانه (دموکراتیک) دارند و چارچوب تصمیم‌گیری در آن‌ها از پایین به بالاست و در نتیجه مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی و عدم دخالت مردم در تصمیم‌گیری هاست؛ اما در مقابل ماهیت شهرداری‌ها در کشور در وضعیت فعلی کاملاً دیوان‌سالارانه (بوروکراتیک)، آمرانه و از بالا به پایین است و در نتیجه غیرشفاف و غیر پاسخگوست. بنابراین به‌کارگیری الگوی سرمایه‌ی اجتماعی و نقش مشارکت شهروندان نمی‌تواند بر مبنای این ساختار و الزامات آن باشد و نیازمند تغییر و تحول در سازمان، ساختار و تشکیلات مجموعه شهرداری‌ها و دیگر متولیان مدیریت شهری برای اتخاذ الگوی مدیریت محلی است.

تمام آنچه برنامه ریزی محله‌مبنا در برنامه ریزی و مدیریت شهری بر آن تأکید می‌کند مانند مردم‌گرایی، اتکا بر ظرفیت‌ها و توان‌ها، بهره‌برداری از سرمایه‌های اجتماعی، استفاده از روش‌های مشارکتی و همکارانه، پویایی، انعطاف‌پذیری و خلاقیت در تهیه و اجرای طرح‌ها و ارزش‌گذاری به تمام سطوح اجتماع، در قالب توسعه‌ی ظرفیت‌های اجتماعات محلی قابل دست‌یابی است. براساس آنچه گفته شد، نمودار شماره‌ی ۳ در قالب مدل مفهومی، به تبیین ظرفیت‌های اجتماعی - مکانی اجتماعات محلی می‌پردازد و آن را از دو منظر اجتماعی و کالبدی با توجه به برنامه ریزی محله‌محور در روند توسعه‌ی محله‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد.



نمودار ۳. مدل مفهومی تبیین ظرفیت های اجتماعی مکانی اجتماعات محلی

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ظرفیت اجتماعات محلی به مثابه‌ی راهبرد کلیدی جهت تقویت رفاه افراد، خانواده‌ها و اجتماعات محلی مشخص می‌شود و بیشتر مرتبط با عملکرد حکومت‌های محلی و نهادهای غیردولتی می‌باشد و براساس منابع، زمان، هدایت و تعهداتی است که با برنامه یا پروژه‌ی ویژه‌ای مرتبط می‌شود و معمولاً دارای مقیاس زمان‌بندی مربوط به آن نیز می‌باشد. هر فرایندی از ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی بایستی ارزش‌ها را تشخیص داده و بر پایه مهارت‌های موجود، دانش و استعداد‌های مردمی باشد که تا کنون داشته و می‌توانند آن را عرضه نمایند. ظرفیت اجتماعات محلی عمدتاً در تلاش جهت جبران خسارت، ارتقاء سلامت، بهبود زندگی شهری و اجتماعی و تقویت اهداف تغییرات اجتماعی می‌باشد و مرتبط با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و عملکردها به طرق مختلف با مفاهیمی همچون سرمایه‌ی اجتماعی، توانمندسازی اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی دارایی مینا و مشارکت اجتماعی می‌باشد.

در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، تجارب فراوانی از مدل‌های و راهبردهای اجرایی به چشم می‌خورد که در مسائلی همچون مشارکت اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی، نیازسنجی، شکل‌گیری و توسعه‌ی اجتماعات محلی، ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی به کار گرفته می‌شود. این عوامل به طرق مختلفی (از نظر اجزا، کیفیت، رویکردها، ابعاد و حوزه‌ی بررسی، مهارت‌ها، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و نتایج) مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است که در این مقاله به مدل «ظرفیت‌سازی به مثابه‌ی چتر» و «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی در ارتقاء سلامت» از آنها نام تعبیر شده است.

رویکرد دیگری که ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی را توصیف می‌کند، طبقه‌بندی مشخصات آنان به وسیله‌ی قلمروها (حوزه‌های مشخص) است. براساس ماهیت ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، در نظر گرفتن ابعاد، قلمرو و مکان انجام فعالیت در حوزه‌های قلمرو اجتماعات محلی (قدرت، تاریخ، پیش‌زمینه، تعارضات، رهبری، مشارکت)؛ قلمرو سازمانی (منابع، سیاست‌ها، اثرات، گفتمان، پاسخگویی)؛ قلمرو ارتباط (شبکه‌های رسمی و غیر رسمی سیستم‌ها، تعاملات، تشریک مساعی، پاسخگویی به نیازهای جامعه)؛ قلمرو دانش (بازتاب منطقی، آگاهی از قدرت، فرایند تغییر، دانش مربوط به نیازهای اجتماعات محلی)؛ قلمرو مهارت و توانایی (هدایت، اعتماد به نفس، توانایی جهت حل مشکلات)؛ قلمرو انتقال منابع (بسیج منابع) الزامی به نظر می‌رسد. با توجه به مفهوم بسیار کلی ظرفیت، لازم است تا آن را به بخش‌های کوچکتری تجزیه کرد که شامل ورودی (منابع)، فرایند (کارکرد) مورد نیاز برای

ایجاد خروجی مرتبط با ظرفیت، خروجی و نتایج آن می باشد. محققان مختلف هر یک براساس حوزه‌ی کارکردی و تجارب خود، شاخص‌هایی را جهت ظرفیت سازی اجتماعات محلی برگزیده اند که با این حال توافق اندکی بر سر نوع یا سطوح شاخص‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری ظرفیت اجتماعات محلی وجود دارد کما اینکه ظاهراً توافقی وجود دارد که فرایند انتخاب شاخص‌ها بایستی در برگیرنده‌ی ذی‌نفعان کلیدی (اعضای اجتماع محلی و گروه‌های محلی) باشد تا بتوان آن‌ها را مورد استفاده قرار داد.

منابع

۱. اوکلی، پیترو و مارسون، دیوید. (۱۳۷۰). *رهیافت مشارکت در توسعه‌ی روستایی*. ترجمه منصور محمدنژاد. تهران: مرکز تحقیقات مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
۲. حاجی‌پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله‌مبنا؛ رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، ۲۶، ۳۷-۴۶.
۳. عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر؛ مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان* (پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان).
۴. محمدی، علیرضا و روستا، مجید. (۱۳۸۷). توسعه‌ی اجتماع‌محور: سازوکاری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی. *فصلنامه‌ی هفت‌شهر*، ۲۳، ۸۸-۱۰۵.
۵. مطوف، شریف و رحیمی، زهره. (۱۳۸۷). توسعه‌ی دارایی‌مبنا رهیافتی مؤثر در حل معضلات سکونت‌محلات شهری. *مجله‌ی شهرنگار*، ۴۷، ۴۲-۴۹.
۶. موسوی، یعقوب. (۱۳۸۲). *بازسازی شهری با تکیه بر توسعه‌ی محله‌ای* (دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران).
7. Arefi, M. (2008). Neighborhood jump-starting: Los Angeles neighborhood initiatives. *Cityscape: A Journal of Policy Development and Research*, 7(1), 5-22.
8. Brown, L., Lafond, A. & Macintyre, K. (2001). *Measuring capacity building*. Retrieved from: <http://www.heart-intl.net>.
9. Chapman, M., & Kirk, K. (2001). Lessons for community capacity building: A summary of the research evidence. *Research review to Scottish Homes* (full text accessible through scot-homes.gov.uk), (24 Feb 2002).
10. Cooper, L., Verity, F. & Bull, M. (2004). Identifying good practices and pitfalls in community-based projects(Final Report to the FACS, Department of Social Administration, Flinders University).
11. Foster-Fishman, P., Berkowitz, S., Lounsbury, D., Jacobson, S., & Allen, N. (2001). Building collaborative capacity in community coalitions: a review and integrative framework. *American journal of Community Psychology*, 29(2), 241-261.
12. Fridman, j. (1993). Toward a non-euclidian mode of planning. *APA Journal*, Autumn-482.
13. Hamdi, N. & Goethert, R. (1997). *Action planning for cities, A Guide to Community Practice*. New York: John Wiley and Sons Ltd.
14. Kwan, B., Frankish, J., Quantz, D. & Flores, J. (2003). Synthesis paper on the labonte, R., and Laverack, G. (2001) 'Capacity Building in

- Health Promotion, Part 1: For Whom? And for what purpose?' *Critical Public Health*, 11(10), 111-128.
15. Mousavi, S. Y. (1998). Urban neighborhoods of Tehran: the social relations of residents and their living place (Unpublished Thesis, Newcastle University).
 16. NSW Health. (2001). A framework for building capacity to improve health, NSW Health Department, Gladesville, NSW.
 17. Social Care. (2010). Practical approaches to improving the lives of disabled and older people through building stronger communities voluntary and community sector. Retrieved from: <http://www.thinklocalactpersonal.org.uk>.
 18. Verity, F. (2007). Community capacity building – a review of the literature; Retrieved from: <http://www.health.sa.gov.au>.
 19. Churches' Community Work Alliance, What is Community Capacity Building? Retrieved from: <http://www.ccwa-online.org.uk>.